



انجمن علمی فقه‌پژای تطبیقی ایران



فصلنامه حقوق برای بین الملل

Volume 3, Issue 3, 2025

Analysis of Indirect Benefit from Crime in Iranian Law with an Approach to French Law

Mahmoudreza Heidaryan Zarneh*¹

1. Department of Criminal Law and Criminology, Kermanshah Branch, Islamic Azad University, Kermanshah, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Type of Article:

Original Research

Pages: 25-36

Corresponding Author's Info

ORCID: 0009-0007-1301-470X

TELL: +989183402039

Email:

mahmoud.aw2039@yahoo.com

Article history:

Received: 15 Jan 2025

Revised: 03 Apr 2025

Accepted: 07 May 2025

Published online: 23 Sep 2025

Keywords:

Indirect Profit, Crime,
Criminal, International Law.

ABSTRACT

Criminalization of indirect benefit from crime means determining punishment or criminal consequences for individuals who indirectly benefit through the illegal activities of others. In other words, indirect benefit from crime refers to a situation in which a person other than the perpetrator of the crime, without having a role in committing it, benefits from the proceeds of criminal acts. Although the legislator tries to punish these beneficiaries by passing laws such as the Anti-Money Laundering Law and the Crime of Acquiring Criminal Property, each of the existing crimes for punishing these individuals has shortcomings that necessitate a review of the relevant laws. Given the importance of this issue, this article analyzes indirect profit from crime in Iranian law with an approach to French law in a descriptive-analytical manner and concludes that the rule of gratuitous possession can be proposed as a tool to guarantee the rights of victims and compensate them for the damages caused to them. Therefore, the current approach of the legislator regarding the widespread criminalization of "indirect profit from crime" not only increases the number of criminals and cases entering the justice system, but most importantly, it leads to the main criminals not being punished. Therefore, it is suggested that the relevant laws be revised.



This is an open access article under the CC BY license.

© 2025 The Authors.

How to Cite This Article: Heidaryan Zarneh, M (2025). "Analysis of Indirect Benefit from Crime in Iranian Law with an Approach to French Law". *Journal of International Criminal Law*, 2(3): 25-36.



انجمن علمی فقه‌های تطبیقی ایران

فصلنامه حقوق جزای بین الملل

www.iclj.ir



فصلنامه حقوق جزای بین الملل

دوره سوم، شماره سوم، پاییز ۱۴۰۴

تحلیل انتفاع غیرمستقیم از جرم در حقوق ایران با رویکردی بر حقوق فرانسه

محمودرضا حیدریان زرنه^{۱*}

۱. گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران.

چکیده

جرم‌انگاری انتفاع غیرمستقیم از جرم به معنای تعیین مجازات یا عواقب کیفری برای افرادی است که از طریق فعالیت‌های غیرقانونی دیگران، به‌طور غیرمستقیم نفع می‌برند. به عبارت دیگر، انتفاع غیرمستقیم از جرم به وضعیتی اشاره دارد که در آن فردی غیر از مرتکب جرم، بدون این که در انجام آن نقشی داشته باشد، از عایدات ناشی از اعمال مجرمانه بهره‌برداری می‌کند، هرچند که قانون‌گذار با تصویب قوانینی مانند قانون مبارزه با پولشویی و جرم تحصیل اموال مجرمانه سعی در مجازات این منتفعان دارد، اما هریک از جرایم موجود برای مجازات این افراد، دارای نقایصی است که ضروری است به بازنگری در قوانین مربوطه پرداخته شود. با توجه به اهمیت این مسأله، این نوشتار به تحلیل انتفاع غیرمستقیم از جرم در حقوق ایران با رویکردی بر حقوق فرانسه به شیوه‌ای توصیفی-تحلیلی پرداخته است و به این نتیجه رسید که قاعده داراشدن بلاجهت می‌تواند به‌عنوان ابزاری برای تضمین حقوق بزه‌دیدگان و جبران خسارت‌های وارده به آن‌ها مطرح شود. از این رو رویکرد فعلی قانون‌گذار در خصوص جرم‌انگاری گسترده «انتفاع غیرمستقیم از جرم» نه تنها تعداد مجرمان و پرونده‌های ورودی به دادگستری را افزایش می‌دهد، بلکه از همه مهم‌تر، موجب عدم مجازات مجرمان اصلی می‌گردد. بنابراین پیشنهاد می‌شود که قوانین مربوطه مورد بازنگری قرار بگیرند.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۲۵-۳۶

اطلاعات نویسنده مسؤول

کد ارکید: ۰۰۰۹-۰۰۰۷-۱۳۰۱-۴۷۰X

تلفن: ۰۲۰۳۹۱۸۳۴۰۹۸۹+

ایمیل:

mahmoud.aw2039@yahoo.com

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۰/۲۶

تاریخ ویرایش: ۱۴۰۴/۰۱/۱۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۲/۱۷

تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۷/۰۱

واژگان کلیدی:

انتفاع غیرمستقیم، جرم، مجرم، حقوق بین‌الملل.

خوانندگان این مجله، اجازه توزیع، ترکیب مجدد، تغییر جزئی و کار روی حاضر به صورت غیرتجاری را دارند.



© تمامی حقوق انتشار این مقاله، متعلق به نویسنده می‌باشد.

مقدمه

بهره‌مند شده، موظف است مالکیت یا معادل ارزش آن را بازگرداند. باتوجه به توضیحات بیان‌شده، از آنجا که انتفاع‌کننده از جرم به نوعی از عایدات مجرم بهره‌مند می‌شود، انتفاع غیرمستقیم از جرم با اکل مال به باطل ارتباط نزدیکی دارد.

تحقیق حاضر، موضوع تحلیل انتفاع غیرمستقیم از جرم در حقوق ایران در مقایسه با حقوق فرانسه مورد بررسی قرار می‌گیرد تا ماهیت، الزامات و تفاوت‌های این نوع انتفاع در نظام‌های حقوقی مذکور شناسایی و تبیین گردد. هدف اصلی از این تحقیق، ارائه دیدگاهی تطبیقی و تحلیل عمیق‌تر در زمینه چگونگی مواجهه حقوق ایران با انتفاع غیرمستقیم از جرم و تطابق یا تفاوت آن با حقوق فرانسه است تا راهکارهای بهبود و تطبیق قوانین داخلی با استانداردهای بین‌المللی و فقهی در این حوزه مشخص شود. فرضیه اصلی پژوهش بر آن است که حقوق ایران در زمینه انتفاع غیرمستقیم از جرم، باوجود تشابهاتی با حقوق فرانسه، در برخی ابعاد نیازمند بازنگری و توسعه مبانی قانونی و اصول فقهی خود است تا بتواند در مقابل پدیده‌های جرم‌انگارانه جدید و پیچیده‌تر، به‌گونه مؤثرتر واکنش نشان دهد. نوآوری تحقیق در این است که علاوه بر تحلیل تطبیقی، چهارچوب پیشنهادی مبتنی بر تلفیق عناصر فقه اسلامی و حقوق بی‌طرف فرانسه ارائه می‌شود تا چهارچوب حقوقی منسجم و نوینی در زمینه مقابله با انتفاع غیرمستقیم از جرم شکل گیرد و راه‌حل‌های عملی و قانون‌گذاری جدیدی ارائه گردد.

۱- مفهوم داراشدن بلاجهت

تعریف‌هایی که حقوق‌دانان از مفهوم داراشدن مطرح کرده‌اند، همگی به «مال» و نهایتاً بهره‌برداری از دستاورد دیگران اشاره دارند (کاتوزیان، ۱۳۸۵: ۱۹۲؛ علیدوست، ۱۳۹۵: ۹؛ امامی، ۱۳۷۷: ۳۵۱/۱). به‌طور کلی، مفهوم «داراشدن» تداعی‌کننده کسب مال و منفعت است. به گفته دکتر کاتوزیان، منظور از داراشدن آن است که فردی نفعی که قابل ارزیابی مالی است، به‌دست آورده باشد، چه این نفع به‌شکل پول و ارزش مالی باشد و چه به‌صورت نفع معنوی و ناشی از تلاش شخص دیگری (کاتوزیان، ۱۳۷۴: ۱۴۰)، لذا داراشدن می‌تواند به‌شکل افزایش دارایی یا کاهش هزینه‌ها باشد و همچنین ممکن است

جرم در هر جامعه‌ای امری اجتناب‌ناپذیر است و هرچقدر هم که نهادهای اجتماعی برای مقابله با آن اقداماتی انجام دهند، امکان حذف کامل جرم از جوامع وجود ندارد. بنابراین ضروری است که به سیاست‌های موجود در عصر حاضر که در زمینه‌های مختلف مانند قانون‌گذاری قضایی و پیشگیری از وقوع جرم تدوین و اجرا می‌شود، توجه نماییم، چراکه این سیاست‌ها به‌عنوان شیوه‌های مدرن مقابله با جرم و مجازات به‌شمار می‌آیند. در برخی از موارد، جرایم در قالب سنتی و در محیط‌های فیزیکی رخ می‌دهند، اما در موارد دیگر، تأثیر پیشرفت فناوری و ایجاد مجرمان جدید باعث شکل‌گیری جرایم نوین می‌شود، هرچند که سیاست جنایی ممکن است به‌سرعت با پیدایش جنایتکاران هماهنگ نشود، اما نسبت به این پدیده بی‌تفاوت نیست.

یکی از مسائلی که به‌طور کامل مورد توجه قانون‌گذاران قرار نگرفته و به‌نظر می‌رسد تأثیر زیادی بر نتایج ناشی از ارتکاب جرم دارد، درآمد‌های حاصل از جرم و کسانی است که از آن بهره‌مند می‌شوند. زیاده‌خواهی مرتکبان بسیاری از جرایم معمولاً محدود به خود آن‌ها نیست و نیازهای گروه‌های دیگر را نیز شامل می‌شود. این مسأله ارتباط عمیقی با مبحث اکل مال به باطل و داراشدن ناعادلانه دارد. برخی از مواد قانون مدنی ایران در زمینه‌های مانند سقوط تعهدات و الزامات بدون قرارداد، به‌دلیل ممنوعیت اکل مال به باطل قابل استناد است، اما از آنجا که بیشتر این مواد از قانون مدنی فرانسه اقتباس شده‌اند، و کالا و حقوق‌دانان برای تفسیر و تحلیل مبانی این مقررات به اصول حقوق فرانسه مراجعه می‌کنند. برخی از این و کالا به‌طور خاص به مفاهیم مرتبط با جلوگیری از «اکل مال به باطل» و «استفاده بلاجهت یا داراشدن ناعادلانه» اشاره کرده و به آیه ۲۹ سوره نساء استدلال می‌کنند.

این آیه به‌عنوان جامع‌ترین معیار ممکن برای بیان قاعده «داراشدن بلاجهت» تلقی شده است. استفاده بلاجهت یا داراشدن ناعادلانه به این معناست که فردی بدون دلیل قانونی یا قراردادی و به ضرر دیگری بهره‌مند می‌شود. طبق قاعده‌ای که در بسیاری از کشورها معتبر است، فردی که از نفعی

تملك به‌طور کلی شامل موارد زیر است: «احیای اراضی موات و حیازت اشیای مباحه - عقود و تعهدات - اخذ به شفعه - ارث». در این ماده، قید بلاجهت یا بلاسبب، ناظر بر شیوه و دلیل مالکیت است که به کسب مال و یا بهره‌برداری از کار دیگران انجامیده است. دکتر کاتوزیان بیان می‌کند: «از منظر حقوق، «تراضی»، «قانون» و «عرف»، وسایل مشروع برای توزیع ثروت و انتقال دارایی‌ها هستند و تنها از این طریق می‌توان به تعدیل دارایی‌ها و کاستن یا افزایشی در آن‌ها قائل شد؛ هر یک از این موارد در اصطلاح به‌عنوان «سبب» یا «وسيله» یا «جهت» شناخته می‌شوند» (کاتوزیان، ۱۳۷۴: ۲۵۲)، لذا هر زمان که نقل و انتقال اموال به دور از ضوابط قانون و شرع باشد، حقوق به رسمیت نمی‌شناسد و این انتقال خارج از چهارچوب جابه‌جایی حقوقی قرار می‌گیرد (مردانی ولدانی، ۱۳۸۸: ۲۰).

برخی محققان در توضیح این مفهوم اشاره کرده‌اند: «واژه «اسباب» مطابق عنوان کتاب دوم جلد نخست قانون مدنی، به معنی «اسباب تملك» و واژه «جهت» در ماده ۳۱۹ قانون تجارت در عبارت «استفاده بلاجهت»، به‌معنای یک منبع معتبر و مستند است. بر این اساس، اصطلاح «سبب» یا «جهت» در اینجا به‌معنای مستند و منبع داراشدن است. بنابراین می‌توان در قانون مدنی، به ممنوعیت قاعده داراشدن بلاجهت استناد نمود، مگر آن‌که هیچ عنوان حقوقی قراردادی مانند ضمان معاوضی، فسخ قرارداد و تلف مبیع قبل از قبض، و همچنین هیچ ضمان قهری مانند اتلاف، تسبیب یا استیفا وجود نداشته باشد» (علیدوست، ۱۳۹۵: ۱۰).

دکتر امامی در کتاب خود درباره حقوق مدنی توضیح می‌دهد: «حق از طریق یکی از پنج سبب زیر به وجود می‌آید: عقد، شبه عقد، جرم، شبه‌جرم و قانون»، سپس به تشریح این موارد می‌پردازد:

۱- عقد: عقد به تعهدی که یک یا چند نفر به انجام امر خاصی در برابر یک یا چند نفر دیگر می‌دهند، اطلاق می‌شود و این تعهد باید مورد پذیرش طرف مقابل نیز قرار گیرد. هر فردی می‌تواند به واسطه آزادی اراده خود، خود را متعهد کند و حقی برای دیگری ایجاد نماید، نظیر مواردی چون فروش، اجاره و عاریه.

فرد از نفع معنوی‌ای منتفع شود که قابلیت تقویم به پول را دارد.

ممکن است «امتیاز» نیز به مفهوم داراشدن تعلق داشته باشد، زیرا انگیزه افراد برای استفاده از روش‌های غیرقانونی و نادرست تنها محدود به دو مورد خاص نیست و به‌طور کلی، دستیابی به هر نوع امتیاز و بهره‌برداری مالی، می‌تواند محرک مرتکب برای توسل به چنین روش‌هایی باشد. به‌عنوان مثال، در ماده ۲۴ قانون ارتقای سلامت نظام اداری و مقابله با فساد که به تاریخ ۱۳۸۷/۰۲/۱۷ تصویب شده، استفاده از امتیازات مالی به‌صورت بلاجهت به‌وضوح بیان شده است: «هرگونه اظهار خلاف واقع و همچنین ارائه اسناد و مدارک غیرواقعی به دستگاه‌های مشمول این قانون که باعث تضییع حقوق قانونی دولت یا اشخاص ثالث یا فرار از پرداخت عوارض یا کسب امتیاز ناحق گردد، جرم محسوب می‌شود...»، لذا در ماده ۳۱۹ قانون تجارت نیز آورده شده است که: «اگر وجه برات، فته طلب یا چک پس از گذشت پنج سال قابلیت مطالبه نداشته باشد، دارنده می‌تواند تا پایان این دوره، مبلغ را از کسی که به نفع او استفاده بلاجهت کرده است، طلب کند.»

به همین دلیل، محققان داخلی و خارجی به‌جای استفاده از عبارت «داراشدن»، از عبارات متنوعی نظیر «استفاده بدون جهت» (صفایی، ۱۳۷۵: ۳۶۹)، «استفاده بدون سبب» (کاتوزیان، ۱۳۸۵: ۱۹۲)، «کسب بدون سبب» (ماده ۲۴۳ قانون مدنی عراق و ۱۴۰ قانون تعهدات لبنان) و نظایر آن یاد کرده‌اند.

با این حال، اگر اصل قاعده به‌طور خاص از مفهوم «داراشدن بدون سبب» یا «Enrichment without Cause» در نظام حقوقی فرانسه نشأت گرفته باشد، در این صورت، محور قاعده براساس تصاحب و داراشدن خواهد بود و از این واژه تنها معنای واقعی آن که کسب مال یا بهره‌برداری از کار دیگران است، برداشت می‌شود، زیرا عنوان داراشدن تنها هنگامی صدق می‌کند که مال یا منفعتی به‌دست آید و در غیر این صورت، موضوع داراشدن منتفی خواهد بود. طبق این تعریف، «کسب امتیاز ناحق» موضوع مورد نظر در ماده ۲۴ قانون سلامت نظام اداری، صرفاً راهی برای به‌دست‌آوردن مال نامشروع است و تا زمانی که به کسب مال یا منفعتی منتهی نشود، نمی‌توان به این قاعده استناد کرد. مطابق ماده ۱۴۰ قانون مدنی، اسباب

دلیل، برخی از حقوق‌دانان مانند دکتر صفایی بر این باورند که قاعده داراشدن بلاجهت به الزامات شبه‌عقد مربوط می‌شود و بر این اساس، شخص متخلف موظف به پرداخت غرامت یا استرداد مال خواهد بود (صفایی، ۱۳۷۵: ۳۷۱). در سایر نظام‌های حقوقی نیز، محور این قاعده بر خسارت وارده به دیگری متمرکز است.

احتمالاً قاعده داراشدن بلاجهت از طریق عنصر ضرر، به‌عنوان عنوان ثانوی در نظر گرفته می‌شود. به این معنا که اگر عنوان موضوع حکم بدون در نظر گرفتن عوارضی که می‌تواند حکم را تغییر دهد، ثابت باشد، عنوان اولی گفته می‌شود و با لحاظ این عوارض، عنوان ثانوی بر آن اطلاق می‌شود، مثلاً درخصوص مردار که به‌لحاظ ذات، خوردن آن حرام است، اما در شرایط اضطرار این حرمت به‌عنوان ثانوی برطرف می‌شود (رشتی، ۱۴۰۱: ۲۷۶/۱). عناوین ثانوی می‌توانند بسیار متنوع باشند و شامل مواردی مانند ضرر، اضطرار، عسروجرح، اضرار به دیگری، مقدمه واجب یا حرام، تقیّه و قاعده اهم و مهم در موارد تزاحم، عهد، قسم و نذر (مکارم شیرازی، ۱۴۲۲: ۲۲/۱).

اما در پاسخ باید گفت مقصود از زیان و ضرر در اینجا، غیر از ضرر مصطلح موضوع قاعده لاضرر است، بلکه مقصود از ضرر در اینجا، درحقیقت کاسته‌شدن دارایی دیگری است، یعنی فرد با هزینه دیگری و به قیمت کاستن از مال دیگری، به دارایی برسد و این ملازم با ضرر و زیان مالی به دیگری است.

از آنجا که ممکن است قوانین در برخی موارد با موازین شرعی تضاد داشته باشند، بنابراین قوانین به‌تنهایی نمی‌توانند به‌عنوان تفسیر قید «بلاجهت» به‌شمار آیند. در واقع، تفسیر این قید نیازمند ترکیب قانون و شرع است و این امر نیز توسط برخی محققان مورد تأکید قرار گرفته‌است (عامری و نوابی، ۱۳۸۸: ۱۰۶). در بررسی سومین رکن قاعده داراشدن بلاجهت، این نکته به دقت مورد تحلیل قرار خواهد گرفت. همچنین لازم به ذکر است که مفهوم ضرر به‌صورت عرفی شناخته شده و معیار تشخیص آن براساس عرف جامعه می‌باشد (موسوی بجنوردی، ۱۴۱۹: ۳۷۴/۶). هدف از بیان این نکته این است که شرع و قانون مدنی، ضررهای عرفی که می‌توانند منجر به ایجاد ضمان شوند را شناسایی و حدود آن‌ها را تعیین کرده‌اند. به

۲- شبه‌عقد: شبه‌عقد به عملی ارادی اطلاق می‌شود که قانون مانع آن نشده و بدون این‌که عقدی به وقوع بپیوندد، تعهدی نسبت به دیگری ایجاد می‌کند. به‌عبارتی دیگر، این عمل می‌تواند برای طرفین ایجاد تعهد نماید، نظیر استیفاء و داراشدن دیگری به ضرر شخص دیگر.

۳- جرم: جرم به عملی گفته می‌شود که قانون آن را منع کرده و برای مرتکب آن مجازات تعیین کرده است، در صورتی که انجام چنین عملی به مجنی‌علیه یا دیگری آسیب بزند، متضرر حق دارد تا جبران خسارت را از مجرم مطالبه کند. به‌عنوان مثال، اگر فردی باعث شکستن دست دیگر شود و آسیب‌دیده برای درمان هزینه‌ای صرف کند یا از کار بماند، مرتکب موظف به جبران این خسارت است.

۴- شبه‌جرم: شبه‌جرم به عملی اطلاق می‌گردد که برای آن مجازات قانونی تعیین نشده است، اما اگر خسارتی به کسی وارد شود، مرتکب مسؤول جبران آن خواهد بود. برای مثال، اگر فردی به اشتباه شیشه منزل همسایه را بشکند یا در خانه‌اش آتش‌سوزی کند که به خانه همسایه آسیب بزند، موظف به پرداخت خسارت است.

۵- قانون: قانون در موارد مشخص، فردی را ملزم به انجام عملی می‌کند بدون این‌که او بخواهد حق خاصی برای کسی ایجاد کند یا عملی انجام دهد. به‌عنوان مثال، اگر والدین فردی بی‌چیز شوند و نتوانند معیشت خود را تأمین کنند، آن فرد موظف به پرداخت نفقه به آن‌ها خواهد بود.

هیچ حقی نمی‌تواند بی‌علت به‌وجود بیاید و این علت توسط قانون تعریف می‌گردد، چون اسباب قانونی، همچون علل طبیعی عمل نمی‌کنند و تأثیر خود را بدون توجه به خواست و اراده نشان نمی‌دهند، بلکه حق یک امر اعتباری است که قانون باید آن را شناخته و به رسمیت بشناسد. این علت می‌تواند مادی یا معنوی باشد و همچنین قاعده سقوط حق، ناشی از اسباب اعتباری خواهد بود (امامی، ۱۳۷۷: ۱۲۸/۱).

لازم به‌ذکر است که این تقسیم‌بندی براساس قانون مدنی فرانسه انجام شده است و مشاهده می‌شود که «داراشدن به ضرر دیگری» در دسته شبه‌عقد جای گرفته و نه عقد. به همین

که برای جرم‌انگاری انتفاع غیرمستقیم از جرم، لازم است محدودیت‌هایی در نظر گرفته شود، زیرا مجازات تمامی افرادی که به‌طور غیرمستقیم از عواید مجرمانه منتفع می‌شوند، منطقی نیست و این ممکن است به افزایش بی‌رویه تعداد مجرمان منجر گردد که در مرحله اجرا، سیستم قضایی را با مشکلات مختلف مواجه می‌سازد و موجب بی‌کیفری افرادی خواهد شد که به‌طور کلان و غیرمستقیم از جرم بهره‌مند گردیده‌اند. بنابراین با در نظر گرفتن اصل حداقلی بودن حقوق کیفری، مناسب است که در مواردی که نوع انتفاع مالی است، میزان مشخصی از عواید غیرمستقیم از جرم تعیین گردد، زیرا میزان زیاد اموال دریافتی یک شخص از مجرم، نشان‌دهنده خطرناک بودن آن فرد است و بدین‌منظور اعمال مجازات توجیه‌پذیر است (اسدی، ۱۳۹۷: ۶۲).

درخصوص زمانی که نوع انتفاع غیرمستقیم از جرم به‌صورت غیرمالی است، این نوع انتفاع می‌تواند آثار مخرب‌تری نسبت به انتفاع مالی بر جامعه به‌دنبال داشته باشد، از جمله این آثار منفی می‌توان به فساد سیاسی، نابرابری اجتماعی و بدبینی نسبت به مقامات اشاره کرد، زیرا معمولاً زمانی که انتفاع غیرمستقیم به‌طور غیرمالی اتفاق می‌افتد، منابع جرمی توسط افراد با نفوذ در قدرت ایجاد می‌شود و در نتیجه منتفعان غیرمستقیم این جرایم معمولاً نزدیکان این افراد هستند. به عنوان مثال، صدور مجوز ساخت‌وساز غیرقانونی برای فرزند یک مقام حکومتی، می‌تواند به ایجاد نابرابری در جامعه بینجامد و همچنین در جامعه نسبت به وقوع این‌گونه جرایم حساسیت بیشتری وجود دارد. علاوه بر این، در صورتی که نوع انتفاع غیرمستقیم از جرم غیرمالی باشد، نمی‌توان همانند مواردی که نوع انتفاع مالی است، مبلغی مشخص تعیین کرد تا در صورت تجاوز از آن مبلغ، فرد مشمول مجازات قرار گیرد. بنابراین این نوع انتفاع را باید با در نظر گرفتن علم و قصد شخص منتفع به‌طور مطلق جرم‌انگاری نمود.

۳- جرم‌انگاری انتفاع غیرمستقیم از جرم

با جرم‌انگاری انتفاع غیرمستقیم، این امیدواری وجود دارد که افراد از نتایج ناخوشایند رفتارهای غیرقانونی دیگران بهره‌مند نشوند و در نتیجه، به حقوق بزه‌دیدگان احترام گذاشته شود، به

عنوان مثال، به‌رغم این‌که عرف بین عدم‌النتفع و تفویض منفعت به‌طور یکسان برخورد می‌کند و در هر دو مورد شخص متسبب را ضامن می‌داند، چنین تسامحی از سوی فقها و حقوق‌دانان چندان قابل قبول به‌نظر نمی‌رسد، زیرا عدم‌النتفع به‌معنای ممانعت از حصول نفع است، درحالی‌که تفویض منفعت به‌معنی از بین بردن نفع موجود می‌باشد (سکوتی و شمالی، ۱۳۹۰: ۸۲).

به‌نظر می‌رسد که با توجه به تعارضاتی که ممکن است بین قوانین و موازین شرعی در برخی موارد وجود داشته باشد، نمی‌توان قوانین صرفاً به‌عنوان تفسیر قید «بلاجهت» مورد استناد قرار گیرند، زیرا تفسیر صحیح این قید نیازمند تلفیق و ترکیب میان قانون و شرع است. در بررسی سومین رکن قاعده داراشدن بلاجهت، لازم است که این نکته به دقت مورد تحلیل قرار گیرد تا بتوان تفاوت‌های مهم آن را در ارتباط با قوانین و موازین شرعی به درستی درک کرد. همچنین باید توجه داشت که مفهوم ضرر در میان عموم بر پایه عرف تعیین می‌شود و معیار تشخیص ضرر براساس عرف جامعه است. بنابراین شناخت ضرر و تشخیص آن در هر مورد نیازمند رجوع به عرف و استانداردهای اجتماعی است. هدف از بیان این نکته، این است که شرع و قانون مدنی ضررهای عرفی را که می‌توانند منجر به ضمان شوند، شناسایی و حدود آن‌ها را معین کرده‌اند تا براساس آن بتوان قوانین حقوقی را تنظیم نمود. در این زمینه، هرچند ممکن است عرف بین عدم‌النتفع و تفویض منفعت تفاوت قائل نشود و در هر دو حالت فرد متضرر را ضامن بداند، اما این تسامح از سوی فقها و حقوق‌دانان پذیرفتنی نیست، زیرا عدم‌النتفع به‌معنای مانع‌شدن از کسب منافع است، درحالی‌که تفویض منفعت می‌خواهد بیان کند که نفع موجود به‌طور کامل از بین رفته است و این تفاوت مهم باید مورد توجه قرار گیرد.

۲- اقسام انتفاع غیرمستقیم از جرم

انتفاع غیرمستقیم از جرم را می‌توان به‌طور کلی به دو نوع انتفاع مالی و غیرمالی تقسیم کرد. حقوق کیفری به‌عنوان یک استثنا مطرح است، بنابراین در جرم‌انگاری یک رفتار، باید اصل حداقلی بودن حقوق کیفری رعایت گردد تا از جرم‌انگاری حداکثری که ممکن است منجر به مجرم شناخته‌شدن تعداد زیادی از اعضای جامعه شود، پرهیز شود. از این‌رو به‌نظر می‌رسد

علم به معنای دانستن و معرفت تعریف می‌شود و به حالتی روانی اطلاق می‌شود که در آن، موضوع برای شخص روشن است و احتمال خطا در آن منتفی می‌باشد. درحقیقت، این علم شامل دو نوع است: ۱- علم نسبت به یک موضوع؛ ۲- علم به مسلم بودن آن موضوع یا امر (ولایی، ۱۳۷۴: ۲۲۸). برای درک بهتر مفهوم علم، باید مراتب آگاهی شخص نسبت به موضوع را بررسی کنیم. این مراتب از پایین‌ترین درجه به ترتیب شامل موارد زیر می‌باشند:

۱- جهل: عدم داشتن آگاهی؛

۲- وهم: آگاهی معادل ۳۰ درصد؛

۳- شک: آگاهی معادل ۵۰ درصد (ولایی، ۱۳۷۴: ۲۰۱)؛

۴- ظن: آگاهی از ۵۱ تا ۹۹ درصد (ولایی، ۱۳۷۴: ۲۰۸)؛

۵- علم یا قطع: آگاهی معادل ۱۰۰ درصد.

با لحاظ مراتب فوق‌الذکر، در حقوق کیفری اصل اولیه، علم متهم نسبت به موضوع است و دیگر حالات ذکرشده در ماده ۱۴۴ قانون مجازات اسلامی، موجب تحقق جرم نمی‌شود، اما در برخی از قوانین، مواردی مشاهده می‌شود که استثنائاً قرائن (ظن) معتبر و اطمینان‌آور هم می‌تواند سبب تحقق جرم شود، مانند ماده ۶۶۲ قانون تعزیرات. حکمی که در ماده ۱۴۴ آمده، امروز باید در سطح جهانی به‌واسطه تحولات سایبری و پیشرفت امکانات، به‌طور گسترده‌تری تفسیر شود. این تفسیر باید شامل مواردی باشد که علم شخص نسبت به موضوع احراز نمی‌شود، اما امارات قطعی وجود دارد، به‌ویژه، در مواردی مانند انتفاع از جرم، تساهل یا قصور مرتکب در کسب آگاهی درباره موضوع جرم می‌تواند منجر به تحقق جرم شود.

۳-۳- قصد خاص شخص منتفع

افراد می‌توانند به‌دلایل مختلف، از جمله نگهداری، تطهیر و فروش، اموال مجرمانه را دریافت کنند و دریافت این اموال لزوماً به معنای منتفع شدن از آن‌ها نیست. به‌نظر می‌رسد برای جلوگیری از مجازات همه دریافت‌کنندگان تحت عنوان انتفاع از جرم، منطقی است که تنها افرادی که این اموال را با هدف انتفاع دریافت کرده‌اند، مجازات شوند. به‌عبارت دیگر، برای

علاوه این‌که با مجازات افرادی که از جرایم دیگران نفع می‌برند، می‌توان از بروز جرایم جدید جلوگیری کرده و نظام اجتماعی را تقویت کرد. درنهایت، جرم‌انگاری این انتفاع، به تقویت اصول عدالت و توازن در جامعه کمک می‌کند و مانع از ایجاد نابرابری‌های اجتماعی ناشی از رفتارهای غیرقانونی می‌گردد. برای این‌که انتفاع غیرمستقیم از جرم به‌عنوان یک جرم قابل شناسایی شود، وجود شرایط زیر ضروری است:

۳-۱- رفتار مجرمانه

برای این‌که انتفاع غیرمستقیم از جرم به‌عنوان یک جرم شناسایی گردد، باید این انتفاع ناشی از یک عمل مجرمانه صورت گیرد. به‌عبارت دیگر، انتفاع از اعمال غیرمجرمانه به خودی خود جرم محسوب نمی‌شود. همچنین نمی‌توان دریافت اموال را به‌عنوان انتفاع در نظر گرفت، زیرا دریافت اموال بخشی از رفتارهای پیش از انتفاع شمرده می‌شود، چراکه انتفاع مربوط به استفاده عملی از اموال است و تا زمانی که این استفاده صورت نگرفته، دریافت اموال تنها به‌عنوان بخشی از رفتار مادی برای تحقق انتفاع غیرمستقیم از جرم در نظر گرفته می‌شود. اگر ما تنها به انتفاع به‌عنوان جرم نگاه کنیم و دریافت اموال مجرمانه را جرم ندانیم یا آن را تحت عنوان شروع به جرم مجازات کنیم، به اهداف اصلی جرم‌انگاری این رفتار نخواهیم رسید. بنابراین برای پیشگیری از اثرات منفی احتمالی، باید دریافت اموال، هرچند که واژه انتفاع بر آن صدق نمی‌کند، به‌عنوان بخشی از رکن مادی محسوب شود تا دامنه شمول این جرم از این منظر گسترش یابد.

۳-۲- علم شخص منتفع

برای تحقق یک جرم، موضوع علم ضروری است، به‌طوری‌که تمام اجزای رکن مادی باید تحت پوشش علم قرار گیرند و دادرس باید اطمینان حاصل کند که متهم به تمامی اجزای رکن مادی، شامل رفتار، موضوع و نتیجه، آگاهی کامل دارد (محمدخانی، ۱۳۹۵: ۱۷۵/۱). بر این اساس، قانون‌گذار در ماده ۱۴۴ قانون مجازات اسلامی تصریح کرده که برای تحقق جرم عمدی، علاوه بر شرایط دیگر، لازم است علم مرتکب به موضوع جرم احراز شود.

شناخته می‌شود، نه انتفاع غیرمستقیم. در این راستا، ممکن است ابهاماتی در مورد تقسیم‌بندی انتفاع غیرمستقیم از جرم مطرح شود؛ در ادامه به این موضوع پرداخته خواهد شد. برای تسهیل در اثبات ارکان معنوی جرم و باتوجه به ماده ۲۸ کنوانسیون مریدا، علم، قصد یا سوءنیت مجرمانه به‌عنوان عناصر اصلی هریک از جرایم این کنوانسیون می‌تواند با استناد به شرایط عینی و خارجی به‌دست آید. بنابراین اگر متهم ادعای جهل موضوعی کند و مرجع قضایی تشخیص دهد که باوجود شواهد قوی در زمان وقوع جرم، او نمی‌توانسته از منشأ مجرمانه اموال یا عواید بی‌خبر باشد، این ادعا پذیرفته نخواهد شد (یوسفیان شوره‌دلی، ۱۳۸۹: ۱۹-۱۸). همچنین این رویکرد می‌تواند در مورد انتفاع از جرم مورد استفاده قرار گیرد، به‌طوری که در مواردی که منتفعان ادعای عدم آگاهی از ماهیت اموال دارند، ظن معتبر و حتی جهل تقصیری آن‌ها برای احراز رکن روانی کافی است.

در رابطه با انتفاع غیرمستقیم از جرم، نخست باید به دریافت اموال و انتفاع از آن پرداخته و سپس مجرمانه‌بودن منبع کسب اموال را مورد توجه قرار دهیم. درخصوص بخش اول، هیچ مشکلی وجود ندارد، زیرا این موارد به‌وسیله منتفعان انجام می‌شود و احراز علم به این موضوع به‌راحتی ممکن است، اما در مورد بخش دوم، باتوجه به این که در به‌دست‌آوری این اموال، منتفعان نقشی ندارند، احتمال اشتباه یا جهل وجود دارد. درحقیقت، احراز علم منتفع به مجرمانه‌بودن عواید حاصل از جرم، به تحقق رکن روانی کمک می‌نماید، اما پیش‌بینی می‌شود که منتفعان در این زمینه ادعای اشتباه یا حتی جهل کنند (اسدی، ۱۳۹۷: ۱۹).

به‌نظر نگارنده، شخصی که از جرم منتفع می‌شود، نباید در وقوع آن جرم نقش مستقیم و فعال داشته باشد و در صورتی که او در اجرای جرم دخالت کند، عمل او از نظر قانونی نه معاونت، نه تسبیب و نه مباشرت است، بلکه انتفاع او در این حالت به‌عنوان انتفاع مستقیم محسوب می‌شود. در این مسیر، ممکن است ابهاماتی در مورد نحوه تقسیم‌بندی انتفاع غیرمستقیم از جرم مطرح شود که نیازمند تحلیل دقیق است. همچنین برای اثبات ارکان معنوی جرم، رعایت استناد به شرایط عینی و خارجی

دریافت‌کنندگانی که به قصد بهره‌مندی از عایدات مجرمانه اقدام به دریافت اموال کرده‌اند، مجازاتی در نظر گرفته شود، زیرا هدفشان تأمین نیازهای شخصی بوده است.

بر این اساس، از نظر رکن مادی، انتفاع غیرمستقیم از جرم شامل دو نوع رفتار می‌باشد: اول، دریافت اموال مجرمانه؛ دوم، بهره‌مندی از عایدات مجرمانه که نیاز به قصد خاصی ندارد، زیرا رفتار بهره‌بردن و استفاده‌نمودن به‌نوعی نتیجه‌ای از رفتارهای دیگر محسوب می‌شود و برای تحقق آن نیازی به قصد خاص یا قصد دستیابی به نتیجه معین وجود ندارد. استفاده یا واقع می‌شود یا واقع نمی‌شود؛ به همین دلیل، ماهیت این رفتار، علاوه‌بر عمد عام، به قصد ویژه‌ای نیاز ندارد. بنابراین وقتی شخصی قصد دارد از عایدات مجرمانه بهره‌برداری کند و در عمل هم این بهره‌برداری را انجام می‌دهد، برای تحقق جرم کافی است. در مورد دریافت اموال، به‌نظر می‌رسد که باید قصد خاصی برای دریافت‌کننده در نظر گرفت، چراکه همان‌طور که ذکر شد، افراد می‌توانند به دلایل مختلف از اموال مجرمانه بهره‌برداری کنند و لزوماً همه آن‌ها با هدف منتفع‌شدن این اموال را نمی‌گیرند. صرفاً افرادی که هدفشان تأمین نیازهای شخصی است باید مجازات شوند. در واقع، در این زمینه، جرم مطلق است، بدین‌معنا که اگرچه تحقق آن نیازمند قصد خاصی است، اما این موضوع باعث نمی‌شود جرم به‌عنوان جرم مقید شناخته شود. در واقعیت، تحقق این قصد خاص به‌عنوان معیار مطلق یا مقیدبودن جرم نمی‌تواند ملاک قرار گیرد. در جرایم مطلق نیز قصد خاص (قصد برای دستیابی به نتیجه) وجود دارد. به‌عبارت دیگر، انتفاع غیرمستقیم از جرم از لحاظ مادی به‌طور مطلق قابل تعریف است، اما از نظر روانی، وابسته به سوءنیت خاصی است که در مورد دریافت عایدات مجرمانه، این سوءنیت خاص به‌معنای بهره‌برداری و استفاده از اموال به‌دست‌آمده می‌باشد (عالی‌پور، بی‌تا: ۵۶).

۳-۴- عدم مداخله شخص منتفع در رکن مادی و روانی جرم
شخصی که از جرم منتفع می‌شود، نباید در وقوع آن جرم نقشی داشته باشد. در صورتی که او در اجرای جرم دخالت کند، عمل او از یکی از سه حالت معاونت، تسبیب یا مباشرت خارج نخواهد بود و در این صورت، انتفاع او از جرم به‌عنوان انتفاع مستقیم

نمی‌گیرد و به‌عنوان عمل باطل تلقی می‌شود (علیدوست، ۱۳۹۵: ۶).

این نکته و ماده ۱۳۸۰ قانون مدنی فرانسه توضیح‌دهنده «ایفای ناروا» است و نه «داراشدن بلاجهت». تفاوت میان این دو در آن است که در ایفای ناروا، طبق ماده ۲۶۵ قانون مدنی، دو دین فرضی وجود دارد و باید تعهدی وجود داشته باشد تا وفا به آن معنا پیدا کند. بنابراین اگر شخصی به اشتباه بر این باور باشد که بدهکار است و مالی به دیگری بدهد، درحالی که واقعاً هیچ دینی وجود نداشته باشد، گیرنده مال نمی‌تواند آن را به ناحق تصاحب کند و موظف به بازگرداندن مال به مالک خواهد بود. از سوی دیگر، در داراشدن بلاجهت خواهان می‌تواند به مقدار کاهش دارایی خود و حدود مقدار افزوده‌شده به دارایی طرف مقابل، درخواست جبران خسارت کند، درحالی که در ایفای ناروا این موضوع صدق نمی‌کند و انتفاع یا عدم انتفاع متصرف نقشی ندارد (زهدی، ۱۳۹۴: ۹۳).

برخی محققان بیان می‌کنند که طبق ماده ۱۳۸۰ قانون مدنی فرانسه، اگر گیرنده مالی آن را با حسن نیت بفروشد، تنها موظف به مستردکردن ثمن دریافتی است و بیع معتبر خواهد بود. اگر خریدار فاقد حسن نیت باشد، مالک حق بازپس‌گیری مال را دارد. این حکم با ماده ۱۵۹۹ که فروش مال غیر را باطل می‌داند، همخوانی ندارد، زیرا در این ماده آمده است که اگر خریدار از تعلق مال بی‌خبر باشد، خسارت او باید جبران شود. بنابراین معامله نسبتاً باطل است و گیرنده باید ثمن دریافتی را به مالک اصلی بازگرداند (خندانی، ۱۳۹۲: ۱۷۵).

اگر ثمن دریافتی برابر یا بیشتر از ارزش واقعی مال باشد، ضرری به مالک نمی‌رسد، اما اگر کمتر باشد، مسأله مابه‌التفاوت مطرح می‌شود که به‌ندرت در آثار حقوق‌دانان فرانسوی بررسی شده است. براساس ماده ۱۳۸۰، به‌نظر می‌آید فروشنده با حسن نیت تنها موظف به بازگرداندن ثمن است که ناعادلانه است. همچنین طبق ماده ۱۳۸۲، اگر گیرنده تقصیری نداشته باشد، جبران خسارت مشکل است و ممکن است حق مراجعه‌ای برای مالک اصلی علیه خریدار وجود داشته باشد (خندانی ۱۹۲: ۱۷۶)؛ ثانیاً در مسائل مدنی زمانی می‌توان به ممنوعیت ناشی از قاعده داراشدن بلاوجه استناد کرد که هیچ‌عنوان حقوقی یا قراردادی،

براساس ماده ۲۸ کنوانسیون مریدا اهمیت زیادی دارد، به‌طوری که ادعای جهل موضوعی معمولاً پذیرفته نمی‌شود، مگر این که مرجع قضایی تشخیص دهد که مجرم در زمان وقوع جرم نمی‌توانسته از منشأ مجرمانه اموال یا عواید بی‌خبر باشد. این رویکرد قابل تطبیق در مواردی است که منتفعان ادعای عدم آگاهی می‌کنند و درصورت وجود شواهد قوی، جهل تقصیری آن‌ها برای احراز رکن روانی کافی است. در رابطه با انتفاع غیرمستقیم از جرم، ابتدا باید به‌نحوه دریافت و انتفاع از اموال توجه کرد که در این قسمت، عمدتاً منتفعان نقش دارند و احراز علم آنان در این‌باره به سادگی ممکن است، اما در بخش دوم که مجرمانه‌بودن منبع اموال مورد توجه است، چون منتفعان نقش مستقیم در به‌دست‌آوردن این اموال ندارند، ممکن است اشتباه یا جهل آن‌ها در تشخیص مجرمانه‌بودن عواید مورد سوءتفاهم قرار گیرد، در نتیجه احراز علم منتفع نسبت به منبع مجرمانه‌بودن عواید اهمیت زیادی دارد، چراکه این علم نقش مهمی در تحقق رکن روانی داشته و پیش‌بینی می‌شود که در اغلب موارد، منتفعان ادعای جهل یا اشتباه در این زمینه را مطرح کنند.

۴- تطبیق انتفاع غیرمستقیم از جرم با قاعده داراشدن بلاجهت

پیش از هر بحثی، درجهت تطبیق انتفاع غیرمستقیم از جرم با قاعده داراشدن بلاجهت، وجوه تمایز ماهوی داراشدن بلاجهت با اکل مال به باطل ضروری است. بعضی محققان در توضیح تمایز قاعده داراشدن بلاجهت از اکل مال به باطل توضیحات روشنی با بیان زیر ارائه داده‌اند:

نخست، همچنان که از نام قاعده داراشدن بلاجهت برمی‌آید، در برخی از موارد این قاعده ممکن است داراشدن را به رسمیت بشناسد. به‌عنوان مثال، ماده ۱۳۸۰ قانون مدنی فرانسه این موضوع را به‌وضوح نشان می‌دهد. این ماده بیان می‌دارد: «اگر فردی با حسن نیت مالی را دریافت و سپس بفروشد، فقط موظف است عواید فروش را مسترد کند»، قانون مدنی فرانسه با این ماده داراشدن شخصی که بلاجهت دارا شده را به رسمیت شناخته است، هرچند که عواید فروش ملزم به بازگشت می‌باشد. در مقابل، در وضعیت اکل مال به باطل، نمی‌توان از واژه داراشدن استفاده کرد، زیرا داراشدن در این حالت مورد تأیید قرار

عایدات بزهکارانه را تحت عنوان جرم داراشدن بلاجهت مجازات کرد.

نتیجه‌گیری

در حقوق کیفری، توجه قانون‌گذار عمدتاً به بزهکاران و بزه‌دیدگان معطوف است و کمتر به افرادی که از جرم نفع می‌برند، توجه می‌شود. این افراد که منتفعان از جرم نامیده می‌شوند، معمولاً اموال به‌دست‌آمده از جرایم را برای استفاده شخصی دریافت می‌کنند. در بسیاری از موارد، این افراد ممکن است خود مرتکب جرم باشند (انتفاع مستقیم) یا به‌دنبال تأمین نیازهای نزدیکان خود باشند، گرچه قانون‌گذار با تصویب قوانینی نظیر قانون مبارزه با پولشویی سعی کرده تا منتفعان را مجازات کند، این قوانین به‌عنوان ابزار مؤثری برای برخورد با آنان به‌حساب نیامده و با مشکلاتی نظیر محدودیت دامنه شمول و تفسیرهای مختلف مواجه‌اند. به‌عنوان مثال، در قانون مبارزه با پولشویی، مجازات برای دریافت عواید جرم با علم به منشأ مجرمانه وجود دارد، اما اختلاف نظر درخصوص رکن روانی این جرم، پذیرش آن را دشوار کرده است. برای حمایت از اموال و مالکیت افراد، ضروری است که ماده‌ای مستقل تحت عنوان «انتفاع غیرمستقیم از جرم» تصویب شود. این ماده باید شامل مواقعی باشد که فرد منتفع هیچ نقشی در ارتکاب جرم ندارد و شخص دیگری عواید حاصله را به او منتقل می‌کند. به‌عنوان مثال، اگر فردی از طریق فعالیت غیرقانونی درآمدی کسب کند و بخشی از آن را به خانواده‌اش بدهد، اعضای خانواده به‌طور غیرمستقیم منتفع شده‌اند.

انتفاع غیرمستقیم می‌تواند همچنین جنبه غیرمالی داشته باشد. برای مثال زمانی که فردی بر یک مقام دولتی تأثیر می‌گذارد تا به دوستش اجازه ساخت‌وساز در محلی ممنوعه را بدهد. جرم‌انگاری این نوع رفتارها باید براساس اصول شرعی و حقوقی صورت گیرد. قوانین فقهی مانند قاعده داراشدن بلاجهت نیز می‌توانند در این زمینه نقش داشته باشند. همچنین جرم‌انگاری گسترده این رفتار ممکن است موجب افزایش پرونده‌ها و دورماندن مجرمان اصلی از مجازات شود. بنابراین پیشنهاد می‌شود که قانون‌گذار با تدوین و تصویب قوانین خاص مربوط به انتفاع غیرمستقیم از جرم، این موضوع را به‌طور

نظیر ضمان معاوضی، فسخ قرارداد یا از بین رفتن مبیع قبل از قبض و همچنین هیچ ضمان قهری مانند اتلاف، تسبیب یا استیفاء و مقبوض به عقد فاسد، در میان نباشد (علیدوست، ۱۳۹۵: ۱۰)، این درحالی است که برای بطلان یک مال، به این موارد استناد می‌شود؛ ثالثاً در مورد اکل مال به باطل، ممکن است داراشدن شخص همراه با ضرر و کاهش دارایی فرد دیگری نباشد. به‌عنوان مثال، زمانی که شخصی از راه‌های نامشروع مالی به‌دست می‌آورد و در این فرآیند کسی متضرر نمی‌شود، برخلاف داراشدن بلاجهت که یکی از ارکان آن این است که داراشدن شخص با کاهش دارایی فرد دیگری همراه است (علیدوست، ۱۳۹۵: ۱۰).

بنابر آنچه گذشت، در ارتباط با تطبیق انتفاع غیرمستقیم از جرم با داراشدن بلاجهت، هدف، بررسی مجازات افرادی جزء مجرم اصلی است، یعنی افرادی که بدون نگرانی از پیگرد کیفری و مجازات، از منافع کسب‌شده از جرایم بهره‌برداری می‌کنند را بتوان مجازات کرد. با این حال، در مورد جرم داراشدن به ناحق، تمرکز اصلی بر روی فرد بزهکار است و به منتفعین نزدیک به جرم اشاره‌ای نگردیده است. هدف این ماده مجازات افرادی است که پس از عهده‌گیری مقام دولتی، بدون دلیل موجهی اموالشان افزایش می‌یابد. این موضوع با انتفاع از جرم متفاوت است و تنها مقامات دولتی مرتکب جرم داراشدن به ناحق می‌شوند، درحالی‌که افراد عادی نمی‌توانند چنین کاری انجام دهند، هرچند در مورد سودبردن از بزه نیز تنها برخی افراد خاص می‌توانند به‌عنوان مرتکب شناخته شوند، اما دایره سودبردن از جرم به‌هیچ‌وجه به اندازه جرم ثروتمندشدن به ناحق محدود نیست و افراد بیشتری را شامل می‌شود، مگر این‌که مقامات دولتی را منتفع از جرم و نه مرتکب آن در نظر بگیریم؛ در این صورت، این دو عنوان به هم مرتبط می‌شوند. مسأله سودبردن از بزه به درآمدهای غیرقانونی مربوط می‌شود و شامل بهره‌برداری از دیگر اموال حرام نمی‌گردد، اما دایره جرم ثروتمندشدن به ناحق از این لحاظ وسیع‌تر است و این جرم شامل اموال حرام می‌شود، خواه این اموال غیرمجاز باشند یا خلاف کارانه. باوجود شباهت‌هایی که بین این دو عنوان وجود دارد، به‌نظر نمی‌رسد با استناد به این ماده بتوان سودبرندگان از

- سکوتی، رضا و شمالی، نگار (۱۳۹۰). «جایگاه عدم‌النفع در نظام حقوقی ایران». *مجله فقه و حقوق اسلامی*، ۲(۲): ۷۹-۹۸.

- صفایی، سیدحسین (۱۳۷۵). *مقالاتی درباره حقوق مدنی و حقوق تطبیقی*. تهران: انتشارات میزان.

- عالی‌پور، حسن (بی‌تا). *جزوه حقوق کیفری عمومی*. دانشگاه تهران: پردیس فارابی.

- عامری، پرویز و نوابی، سیدمهدی (۱۳۸۸). «ضمان ناشی از استیفای نامشروع در حقوق ایران و فرانسه». *مجله مطالعات حقوقی*، ۱(۳): ۹۵-۱۲۴.

- علیدوست، ابوالقاسم (۱۳۹۵). «داراشدن ناعادلانه و بلاجهت در نظام حقوقی ایران و مقایسه آن با اکل مال به باطل». *مجله فقه*، ۲۳(۸۷): ۷-۱۸.

- کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۵). *حقوق مدنی ضمان قهری* - مسؤولیت مدنی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

- کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۴). *حقوق مدنی قواعد عمومی قراردادها*. تهران: شرکت سهامی انتشار.

- محمدخانی، عباس (۱۳۹۵). *عنصر روانی جرم*. جلد اول، تهران: انتشارات میزان.

- مردانی و ولدانی، عباسعلی (۱۳۸۸). *داراشدن بلاجهت در حقوق موضوعه ایران و تطبیق آن با فقه*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، نام استاد راهنما عبدالرسول دیانی، تهران: دانشگاه پیام نور.

- مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۲۲). *بحوث فقهیه هامه*. جلد اول، قم: انتشارات مدرسه الإمام علی بن ابی‌طالب (ع).

- موسوی بجنوردی، سیدحسین‌بن‌آقابزرگ (۱۴۱۹). *التقواعد الفقهیه*. جلد ششم، قم: نشر الهادی.

- ولایی، عیسی (۱۳۷۴). *فرهنگ تشریحی اصول فقه*. تهران: نشر نی.

شفاف‌تری در نظام حقوقی کشور جای دهد. این قوانین باید شامل شمولیت و شرایط مجازات برای منتفعان از عواید مجرمانه باشند.

ملاحظات اخلاقی: موارد مربوط به اخلاق در پژوهش و نیز امانت‌داری در استناد به متون و ارجاعات مقاله تماماً رعایت گردید.

تعارض منافع: تدوین این مقاله، فاقد هرگونه تعارض منافی بوده است.

سهام نویسندگان: نگارش مقاله به‌صورت مشترک توسط نویسندگان انجام گرفته است.

تشکر و قدردانی: از تمام کسانی که ما را در تهیه این مقاله یاری رسانده‌اند، سپاسگزاریم.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش بدون تأمین اعتبار مالی سامان یافته است.

منابع و مأخذ

- اسدی، عارف (۱۳۹۷). *امکان‌سنجی اعمال ضمانت اجراها نسبت به اشخاص منتفع از رفتار مرتکب جرم*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه تهران.

- امامی، سیدحسن (۱۳۷۷). *حقوق مدنی*. جلد اول، تهران: نشر اسلامیه.

- خدانی، سیدپدارم (۱۳۹۲). «ایفای ناروا در ایران و دیگر نظام‌های حقوقی». *مجله حقوق خصوصی*، ۱۰(۱): ۱۵۹-۱۸۲.

- رشتی، میرزاحبیب‌الله (۱۴۰۱). *کتاب القضاء*. جلد اول، قم: دار القرآن الکریم.

- زهدی، جواد (۱۳۹۴). *مطالعه تطبیقی داراشدن بلا جهت و ایفای ناروا در حقوق ایران و مصر*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، نام استاد راهنما رضا سکوتی نسیمی، تبریز: دانشگاه بین‌المللی ارس.

- یوسفیان شوره‌دلی، بهنام (۱۳۸۹). «رویکردهای نوین نسبت به اموال مجرمین در جرایم سازمان‌یافته یا اقتصادی (مطالعه تطبیقی در حقوق ایران و فرانسه)». *مجله تحقیقات حقوقی*، ۱۳(۳): ۹-۴۹.